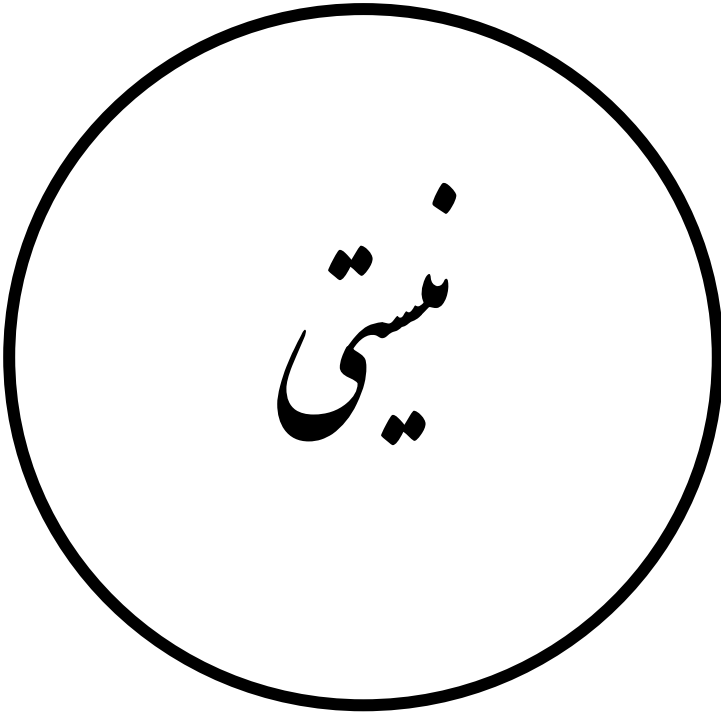


مرا بخوانید



به قلم: ایرج نورالدین

❖ عناوین کتاب

۵	پیش گفتار
۶	نیستی
۱۴	هر چه در عالم هستی است مکان می بینیم
۱۷	مغز و کاربرد آن
۲۶	عالم هستی
۲۷	کل عالم هستی و پروردگار
۲۸	آغازی نو
۲۹	اثبات حیات به کمک اعداد و ارقام
۳۸	جدول تفکیک اعداد
۳۹	تکامل و عدد آن
۴۰	چرا عدد ۹ عدد تکامل است
۴۱	طریقه به دست آمدن عدد پی $3/14$ از راه دیگر
۴۳	فصل جدید و مطالب شنیدنی نو
۴۴	آگاهی
۴۵	اعداد و ارقام
۴۶	اعداد و حیات
۴۸	رسیدن به حیات از طریق اعداد و ارقام
۴۹	حیات
۵۲	شرایط
۵۴	شرایط زندگی در تک زیستان
۵۶	بعد نیست سری هم به خودمان بزنیم
۶۱	قرن ۲۵ را هیچ انسانی نخواهد دید
۶۲	هوس سایه مغز است
۶۴	تکامل و اثر آن بر مغز
۶۶	آدم و حوا
۶۹	یادآوری
۷۲	طرز بدست آوردن عدد پی $3/14$

❖ پیش گفتار

این کتاب یک فرضیه است و از مطالبی صحبت می‌کند که تاکنون کمتر به گوشتان خورده است.

عالم هستی از کل کائنات گرفته تا زمین زمان از توان و مکان و به طور کل هر آنچه در عالم هستی اعلام موجودیت می‌کند طرز به وجود آمدن آنها در این فرضیه با دلایل عالمانه خیلی از مسائل را حل کرده‌اند همه ما می‌دانیم که زیر بنای علم تجربه است و علم هم این روزها در پیشرفت بشر نقش به سزایی داشته است این کتاب از نظر بعضی افراد کنگ و بسته نوشته شده است ولی امیدواریم با توجه به باز کردن مطالب این بار جای شکوه و شکایت باقی نمانده باشد.

❖ نیستی

وقتی صحبت از نیستی می‌آید یعنی هیچ چیز از زنده تا مرده وجود ندارد. خداوند عالم نیستی تصمیم به وجود آوردن هستی می‌کند.

و در یک لحظه برق آسا که فاصله بین تاریکی و روشنی را نمی‌توان با پیچیده‌ترین وسایل پیشرفته روز به اندازه درآورد و مشخص کرد زمان بین تاریکی و روشنی چقدر بود همه دستگاه‌های پیشرفته در آن می‌مانند. خلاصه علم از طریق عالمانه بهتر می‌تواند قدرت و توان اجرا داشته باشند چون علم - عالمانه تکیه به خداوند بی‌همتا دارد.

سرانجام در فرضیه آمده است با یک انفجار اتمی که نیستی باردار هستی بود عالم هستی و کل کهکشان‌ها از خشک‌ها و گل دریا و اقیانوس‌ها به هراسم و نشانی با این انفجار نیستی که در لحظات پیش نیستی بود با انفجار تبدیل به هستی شد. او بود گلکهکشان‌ها با کل منظومه‌های شمسی دیگر که در همین آسمانی که نه ابتدا دارد و نه انتها با نام‌های مختلف از همین انفجاری است که می‌گوییم.

یک انفجار اتمی نیستی با انفجار خود بدستور خدای بی‌همتا هستی را با تمام آن اوسافی که ما داده‌ایم بوجود آورد.

آن زمانی که نیستی باردار هستی بود در یک زمان کوتاهتر از مقیاس هستی متولد شد.

پس از یک انفجار اتمی از نیستی عامل متولد شدن هستی شد. هستی همان طوری که می‌دانید زائیده و پرورده نیستی است و چگونه زایمان کردن نیستی را برایتان توضیح خواهیم داد که چگونه هستی متولد و خود را قیم زمین و زمان دانست و فریاد برآورد که من هستیم آن چنان رجز خانی کرد که ... نیستی از ترس زخم و زبانش خود را پنهان کرد و هستی سرانجام برای اعلام هویتش خود را هستی نامید و زمین و زمان را جزئی از خود دانست هستی از گل و لای ته اقیانوسها بستری ساخت و در همانجا اطاق خوابش را آرایش و آراسته کرد و برای آن شب تاریخی که لحظه‌ای بیش نبود بنام آغازیان بانک برآورد و از آنجائی که در ته اقیانوس بود صدایش به هیچ احد و ناسی که وجود خارجی نداشت نرسید سرانجام قرن‌ها طول کشید.

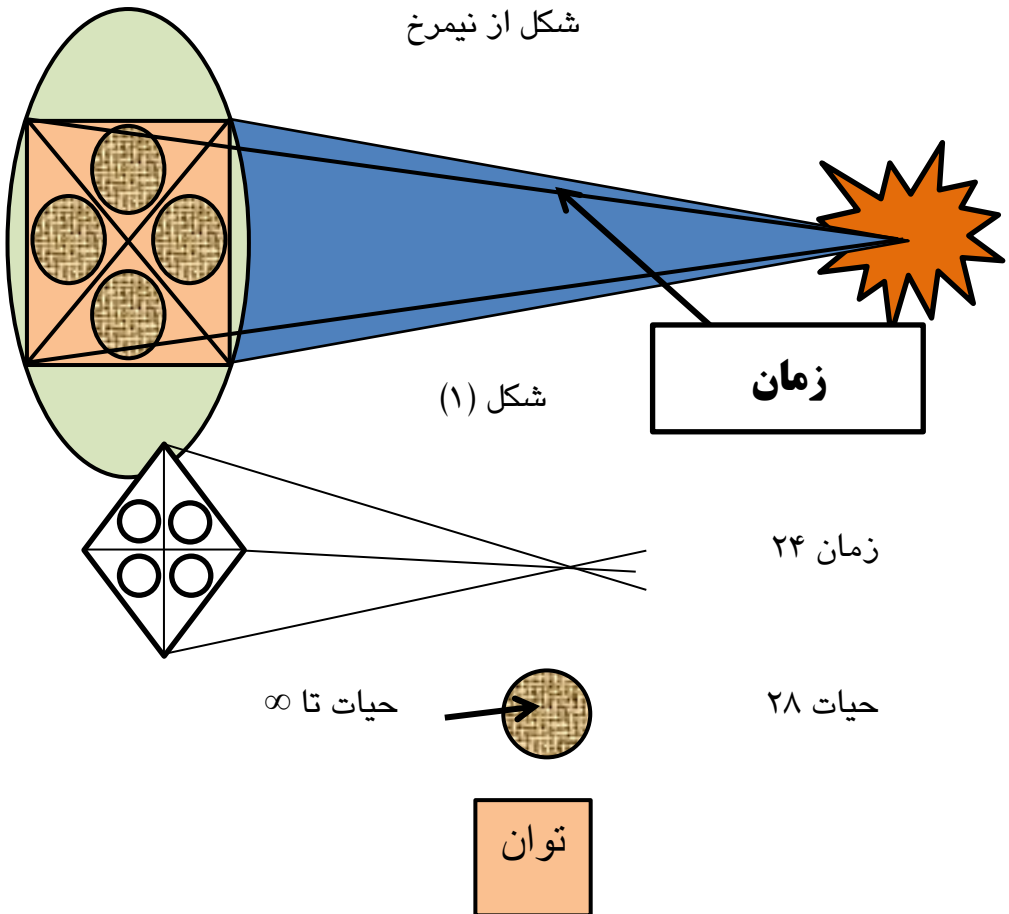
تا سر از آب بیرون آورد و خشکی را گسترش داد و این مایع حیات یعنی آب شروع به زاد و ولد کرد از گیاهان گرفته تا جانورانی که شکلهای عجیب و غریبشان.

هنوز در تاریخ زبان زد عام و خاص‌اند.
تا سرانجام موجودی بنام انسان که نهایتاً موجودی هوشمند خوانده شده است.

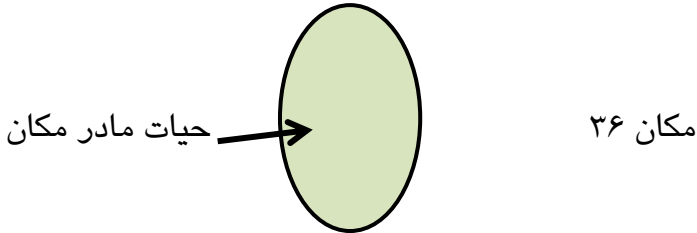
دست به قلم شد و او را رسوای احاد ملت کرد
و زمین هم در این زمان فرصت را غنیمت شمرد.
و لحظه به لحظه گسترده تر شد.
و سرانجام این شد که آن نشود^۱ و خشکی در دستهای این موجود
هوشمند یعنی انسان گرفتار شد.
و هر کدام از این انسان هوشمند آن را خطی کشید و اگر آن خود کرده
با این کار نادانسته در واقع قبر خود را با دستهای خود خرید و خط‌کشی
کرد ولی نمی‌دانست که روزی گرفتار همین خط‌کشی‌ها خواهد شد.
و بر سر آن چه خونها که ریخته نخواهد شد و در اواخر قرن ۲۴
فرزندی را که در قرن ۲۱ بنام الکترونیک (قرن ارتباطات) زائیده و پرورش
داده بود همان طوریکه گفته شد چون تیری از کمان در رفته رها شد و با
سرعتی غیر مقیاس از جلوی دید همگان نادیده گذشت.

^۱. بد شود که بدتر نشود

آن چنان سرعت داشت که انتظار آتش گرفتنش بعید نبود ولی چون سرعتش غیر قابل دیدن بود که نادیده به طرف هدف هم چنان سینه چاک و موفق فضا را می شکافت و می رفت و سرانجام در پایان قرن ۲۴ به هدف خورد و صدای انفجارش بلند شد.



توان ۳۲



بد نیست در این فرصت بدست آمده با شکل که در بالا بخوبی دیده می شود فارغ شدن نیستی و متولد شدن هستی بخوبی دیده می شود.

شکل از روبرو

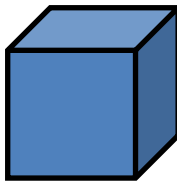
این دایرها تا ∞ می روند

برای اینکه شما بهتر متوجه شوید شکل

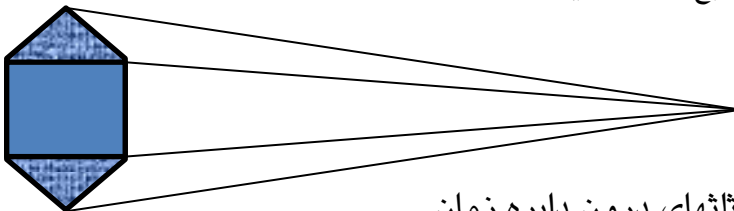
شکل ۱ که از نیمرخ نشان داده شده است. مثلث های دیده شده زمان

(کله قند) انتهائی که انفجار صورت گرفته است. مثلث های دیده شده زمان

هستند که در انتها انفجار اتم به خوبی دیده می شوند.



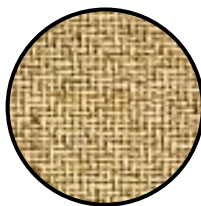
۲- مربع درون دایره توان است.



۳- مثلثهای درون دایره زمان

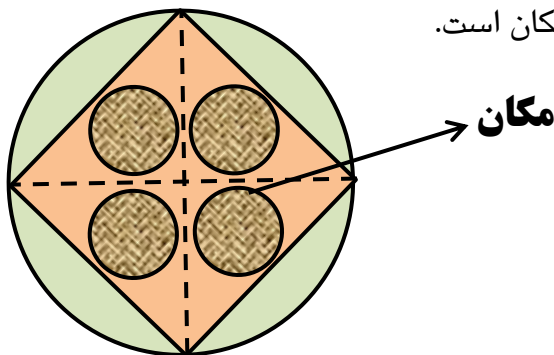
۴- دایره‌های کوچک درون مثلث هر کدام یک حیات است ادامه آن به ∞

می‌رسد.



شکل ۲ که همان شکل ۱ است فقط از روبروی نشان داده شده.

دایره بزرگ مکان است.



پس چنین است که می‌گویند هستی متولد شده از نیستی است یا به زبان

دیگر هستی دست پرورده نیستی است ولی انسان این موجود هوشمند

روز به روز نادیده‌ها را تبدیل به دیدن کرد و می‌کند همان طور که گفته شد و شکل آن را هم به طور کامل رسم کردیم و تولد کامل هستی را از نیستی ریز بینانه برایتان توضیح دادیم ولی متأسفانه این طور به نظر می‌رسد که از قرن ۲۱ تغییر و تحول بزرگ و غیر منتظره‌ای اتفاق افتاده که مسیر فرضیه ما را

به طور کل در اواخر قرن ۲۴ دست خوش تغییر و تحولی در حد نابودی گردیده است و این خسارت بزرگ به حدی بود که می‌توان نابودی قرن ۲۴ دانست.

تا جایی که دیدن قرن ۲۵ را غیر ممکن ساخت.

و علت این پایان شوم ناگفته نماند.

که در اواسط قرن بیست و یکم به طور شایعه در زیر زبانها به طرز مرموزی در میان عده‌ای قابل توجه از مردم زمزمه می‌شد.

تا سرانجام این پایان شوم در اواخر قرن ۲۴ اتفاق بیفتد و خیلی‌ها را در تعجب بدون انتظار برد.

قرن ۲۱ معروف به قرن ارتباطات بود و در این قرن علم و فن الکترونیکی بالا گرفت.

و فاصله کشف در این قرن به حدی به هم نزدیک بود. که در زمان بسیار کوتاهی کشفیات مختلف زیادی که در حد تعجب بود کشف شد از کتابهای مانده این قرن‌ها پیشرفت انسان را به حدی دانست که اگر به شکل در خط کشفیات در نظر بگیریم بارها و بارها به طور غیر عمده همدیگر را قطع می‌کردند ولی خیلی‌ها قطع کردن خطوط را پایان کشفیات می‌دانستند ولی چنین نبود دوباره بعد از قطع اول، دوم، سوم و غیره نه اینکه نشانه پایان کشف بود بلکه بعد از هر قطع کشفیات برتری کشف می‌شد و این کشفیات تا اواخر قرن ۲۳ ادامه شایانی داشت تا جایی که رابطهای را که برای راحتی و آسایش خود به کار گرفته بودند آنقدر آنها را پیشرفته کرده بودند که در حد شایعات شنیده می‌شد که رابطهای گاهی به سازندگان خود دستور و برنامه کاری می‌دادند که دیگر خطر به تدریج داشت بالا می‌گرفت شاید یکی از مهمترین عوامل نابودی اواخر قرن ۲۴ همین مسأله خطرناک و مسائلی خطرناکتر و غیره که در حد توان فکری ما نمی‌گنجد که سرانجام دیدن قرن ۲۵ برای این موجود هوشمند غیر ممکن شد.

❖ هر چه در عالم هستی است مکان می‌بینم

• جملگی گر همه را جمع کنند باز مکان می بینم

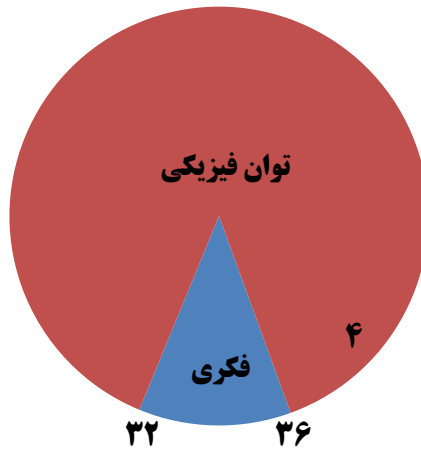
هر آنچه در عالم هستی است دارای مکان است و شکل فرضی ریاضی آن دایره است زمان ۲۴ حیات، ۲۸ توان، ۳۲ مکان و ۳۶ عامل رسم این دایره یک زاویه است که هر چه بسته تر باشد توان فیزیکی آن بیشتر است و هر چه بازتر باشد توان فکری آن بیشتر است.

این عالم هستی مکان دار دارای ۹ مرحله است یعنی همه چی در مرحله ۹ به تکامل می رسد و جز رازهای پیچیده و پنهانی الهی یا شگفتیهای آفرینش می شود. شکل این مطلب گنگ و باز نشده در پشت همین صفحه رسم شده است امیدوارم بتوانم مطلب را بر روی شکل برسانم. به امید آنروز.

گفتمی شکل فرضی ریاضی مکان دایره است آن را می کشیم:

۱- شکل فرضی ریاضی مکان دایره

۲- عامل رسم این دایره یک زاویه است که بخوبی دیده می شود که قسمت دهانه باز شده پرگار توان فکری است قسمت رنگ خط خورده توان فیزیکی



زاویه ← زمان ۳۳ → ۱۳

۳- در این شکل گفته شده است زمان ۲۴، حیات ۲۸، توان ۳۲ مکان ۳۶.

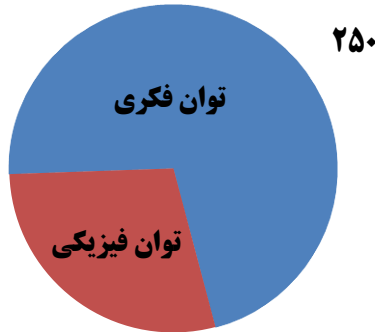
۴- گفته شده است دهانه پرگار اگر بسته باشد توان فکری آن کم است.

۵- یادآور شده دهانه زاویه بیشتر باز باشد توان فکری بیشتر است .

۶- تفکیک عدد ۴ می‌توان ۱۳ و ۳۳ باشد به جدول تفکیک اعداد مراجعه کنید.

شکل زیر باید مطلب را بیشتر باز کند زاویه از ۹۰ درجه بیشتر باز است پس توان فکری آن بیشتر و توان فیزیکی آن کمتر.

شکل ۲



جائی که نوشته شده توان فکری قاعده‌تاً باید زاویه‌ی آن در حدود ۲۵۰^{۱۱۰} درجه است و توان فیزیکی آن ۱۱۰ درجه در اینجا مشخص می‌شود که توان فکری آن بیشتر از توان فیزیکی است.

این مطلب فقط برای آن توضیح داده شده که زمان ۲۴، حیات ۲۸، توان ۳۲، مکان ۳۶ است چون این اعداد در مطالب بعدی استفاده‌های زیادی دارد.

و ما باید بدانیم که چه هستند و چگونه به دست آمده‌اند.

❖ مغزو کاربرد آن

تنها عضوی که در بدن زنده است و زندگی می‌کند مغز است بقیه اعضا زنده‌اند ولی زندگی نمی‌کنند بلکه خدمتگزار صدیق از برای مغز هستند.

چرا عضوهای دیگر زنده هستند ولی زندگی نمی‌کنند.

یا عضوی که تشکیل دهنده موجودی وقتی می‌توانیم بگوئیم زنده هستند ولی زندگی نمی‌کنند از برای آنست که فرضیه ما بر این عقیده است عضوی که زنده است به تنهایی برای زندگی کردن کافی نیست زیرا عضوی زنده است و زندگی می‌کند که بفهمد چه می‌کند و کاری را که انجام می‌دهد چه غریزه‌ای چه آموزشی داده شده باشد تنهایی برای زندگی کردن کافی نیست ما غذا می‌خوریم، پیاده روی انجام می‌دهیم، کارهایی دیگر با هر عناوینی انجام می‌دهیم تنها عضوی که لذت می‌برد مغز است. ما وقتی ساده‌ترین کار یعنی غذا خوردن را انجام می‌دهیم که ابتدا در دهان توسط ۳۲ دندان جویده و سپس بلعیده و در معده با گازها و اسیدهای خاصی آمده جذب شدن بدن می‌شوند آن قسمت از غذا که جامد و آن قسمت که مایع است طبق روال خاصی جذب بدن و مازاد آن نیز دفع می‌شود غذا و مایع جذب شده طی مرحله خاصی که در حوصله کتاب

نیست تبدیل به خون و توسط قلب (عضوی که تقریباً اتوماتیک هم هست) بعد از گردش کوچک خون که باردار اکسیژن هم می‌شود و به سرعت به طرف مغز رانده می‌شود و مورد استفاده مغز می‌شود و قسمت‌های مختلف مغز را از این مایع حیاتی سیراب می‌کند.

که با همین کار تمام قسمت‌های مغز که هر کدامشان کارهای خاصی را انجام می‌دهند به کار و می‌دارد حتی خُلق و خوی ما هم در قسمتی از مغز بایگانی خاصی دارند که با تغذیه خون فعال می‌شوند ظاهراً در تمام اندام‌های مغز آن قسمت‌های خاص از بدن دارای غدی هستند که کارشان ترشح کردن است و وقتی خون به آن می‌رسد آن قسمت مانند قسمت‌های دیگر که کارهای خاص دیگری دارند فعال می‌شوند و انسان تحت تأثیر این قسمت‌ها قرار می‌گیرند و شروع به زندگی و لذت بردن می‌شوند یک مثال ساده دربارهٔ خلق و خوی چنانچه فردی در اجتماع خانواده و اجتماع کار و تلاش و مسائل دیگر مثل ارتباط زنده و خیلی از کارها و برخوردهای ریز دیگر که حتی ما ریز بینانه هم شاید نتوانیم به همه آنها اشاره کنیم. بل اجبار تعداد بیش از حدی از آنها جا می‌مانند.

در اینجا است که مجبور به کُله‌گوئی می‌شویم تمام این مطالبی که گفته شد در خلق و خوی یک فرد معقول شاد و یا یک فرد معقول متعادل می‌شود که در قسمتی از مغز جا دارد و کارهای دیگر همین فرد یاد شده که لازمه اعلام موجودیت دارد.

و وقتی خون هم به تمام مغز رسید به لطف این قسمت مورد نظر هم خواهد رسید.

و آن قسمت که کارش اعلام موجودیت شخص خاص است به کار می‌افتد و اعلام موجودیت می‌کند این یکی از کوچکتر کارهای مغز است ولی کاربرد بسیار بزرگی دارد که زندگی فرد به آن بستگی دارد خوب ظاهراً توضیح که لازم بود در حد توان فرمان انجام دادیم و لازم به یادآوری است که بقیه قسمت‌ها هم به همین شکل است مثال دیگری نیز وجود دارد.

که از نظر این فرضیه گفتنش خالی از لطف نیست وقتی قسمتی از بدن ما ضربه محکمی می‌خورد که درد شدیدی را به دنبال دارد مثل این که پای شخصی از قسمتی استخوان ضربه سختی می‌خورد پا که زبان ندارد که بگوید پایم درد می‌کند و قسمت‌های دیگر هم که از زندگی لذت خاص

نمی‌برند هم نسبت به این مسئله قاعده‌تأبی تفاوت خود را نشان می‌دهند و اصولاً کاری ازشان ساخته نیست اینجاست که مغز بلافاصله نگران خودش می‌شود که چنان چه پای این فرد خوب نشود طبعی است بخوبی نمی‌تواند مثل گذشته در تلاش و کوشش باشد تا مایحتاج غذا که در انتها همان خون خواهد بود به خوبی با کیفیت بالا نصیبش شود و در اینجاست که فرمان درد را صادر می‌کند دردی که او را وادار به درمان کند و هر چه زودتر فرد به سلامتی معقول خود برگردد.

پس ظاهراً تا آنجائی که لازم به توضیح بود تلاش خودمان را کردیم این مغز لذت طب دارای ۹ قسمت است، که لازم است از آنها نام ببریم:

- ۱- مخچه
- ۲- قشر
- ۳- جسم بینائی
- ۴- سیستم لیمبیک
- ۵- هیپوتالاموس
- ۶- تالاموس
- ۷- تشکیلات مشبک

۸- تنه مغزی

۹- نخاع

♦ کل مغز

و بلطب هر قسمتی را که نام بردیم در زنده بودن ما نقش به سزائی دارند حال می‌خواهیم بگویم این مغز که از کار سازی بالائی برخوردار است بسیار نرم و از بین رفتنی است یعنی اگر به طور مثال مغز را در دستمان بگیریم که این کار هم شدنی است حال اگر بدون زور و فشار بالائی دستمان را ببندیم کاملاً مغز به طور عجیبی در هم پیچیده خواهد شد که شاید از نظر شکل دیگر غیر قابل شناخت خواهد شد.

ولی از نظر جنس و ماهیئت همان مغز اول است با این تفاوت که دیگر کارائی اول را به طور کل از دست داده است.

اگر خاطرتان باقی مانده باشد در اول این مطلب گفتیم:

مغز لذت طلب،

علت آن چیست شما هر کاری را در نظر بگیرید حتی دستشوئی رفتن، بعد از پایان آن کار لذت آرام طلبی سراغتان می‌آید تا جائی این مسئله مهم و درست است.

که فرضیه ما هر چه تلاش کرد که کاری را نام ببرد.

که پشت آن یا بعد از پایان کار مزبور لذت نباشد پیدا نشد که خود همین لذت کارائی انسان را بالا می‌برد حالا می‌خواهیم بگویم که این مغزی را که با این آب و تاب تعریف و تمجید می‌کنیم با این فراغت جایگاهش کجاست.

این مغز آسیب پذیر لذت طلب در جمجمه استخوانی بسیار محکمی قرار گرفته است خوب حالا که جایگاه چنین مستحکیم از آن او می‌دانیم چگونه با دنیای خود ارتباط برقرار می‌کند.

تا زمانی که جواب این سؤال را نداده‌ایم به نظر می‌رسد سؤال پیچیده و جواب سختی در پشت این سؤال خوابیده است که باید گفت اصلاً چنین نیست اگر هر فرد جداگانه کمی خود را مورد بررسی قرار دهد جواب بهتر از ما پیدا خواهد کرد.

البته سؤال بهتر از ما پیدا می‌کند منظور آن نیست که جوابهای زیادی دارد بلکه منظورمان جواب ساده‌ای دارد.

در توان فیزیکی یکی ما که شامل شکل ظاهری ما می‌باشد دارای ۹ روزه است.

گر نام دایره آید به بیان

فاش گردد هر آنچه در عالم هستی شده پنهان

گر قاعدهٔ عالم هستی بر ۹ تا نبود

آن توان حضرت آدم توان دیگر نبود

خوب بعد از این شعر ظریف می‌گوئیم که مغز توسط همین ۹ روزنه که

در بدن فیزیکی ما است با دنیای بیرون ارتباط پیدا می‌کند این ۹ روزنه

عبارتند از:

۱- گوش ۲ عدد

۲- چشم ۲ عدد

۳- بینی ۲ عدد

۴- دهان ۱ عدد

۵- مقعد ۱ عدد

۶- دهانه واژینال ۱ عدد

۷- روزنه ناف 0

خوب با ۹ روزنه‌هایی که در بدن فیزیکی ما است آشنا شدید که آخری

آن ناف نام دارد که چندان هم به روزنه شباهت ندارد و آن روزنه را هم

روزنهٔ شگفتیهای آفرینش نامگذاری شده است و علت این نامگذاری که

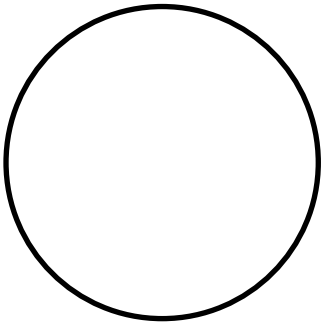
کمی عجیب و غریب است سرچشمه گرفته از تولد زن که از بین دنده ۳۱ و ۳۲ سمت چپ نزدیک به قلب پا به عرصه هستی گذاشته شده است.

که مطلب نام گذاری این روزنه را در جائی دیگر و مناسب به شکل داستان برایتان تعریف خواهیم کرد.

خوب پس روشن شد که مغز چگونه اطلاعات خود را چگونه به دست می آورد و آگاهیهای خود را بالا می برد.

❖ عالم هستی

فرضیه ما تا اینجا بر این عقیده بود که عالم هستی از انفجار یک اتم به وجود آمد که شکل کامل آن را هم برایتان به دو طریق رسم کردیم آمده است عالم هستی دارای ۱۰ بُعد و دو قطب می باشد.



به ترتیب قطب مثبت و قطب منفی و ۱۰ بُعد
 آن هم تشکیل شده است از ۹ بُعد که مربوط به
 تکامل است و یک بُعد آن هم معروف به
 شگفتیهای آفرینش است از ۹ بُعد ۴ بُعد آن
 اصل است زمان ۲۴ حیات ۲۸ توان ۳۲ مکان
 ۳۶ و ۵ بُعد آن فرع است.

که زیر بنای اصل می باشد از اعداد به دست آمده زمان حیات توان
 مکان می توان کارهای زیادی هم چون عدد پی را به دست آوریم.

❖ گل عالم هستی و پروردگار

آمده است سیاره و زمین در تولد خود گلوله از آتش بود که قرنهای متعددی باران بر آن باریده به طوری که تمام آن در زیر آب رفت و قرنهای در زیر آب نادیده گرفته می‌شد.

تا سرانجام به قدرت خداوند بی‌همتا به تدریج از باریدن باران کاست و سرانجام پایان باران صلاح کار دانست قرنهایی هم گذشت تا این بار به تدریج خشکیها سر از آب بیرون آوردند و سبزه‌ها با خوشحالی در خشکی شروع به دویدن کردند و سرانجام طبیعت را فرمان گسترش داد.

و آنچه که باید می‌شد خوشبختانه همان شد و طبیعت جان تازه‌ای به عالم هستی نو پا داد آن چنان زیبایی این طبیعت بکر به حدی بود که بی صدا شعر می‌خواند و روح را از کالبد جدا می‌کرد.

در قهر اقیانوسها گل و لای شرایط حیات را به تدریج محیا کرد و آفتاب که می‌شود گفت پدر حیات از گیاهان تا جانوران است به کار خود هم چنان تسلط وار ادامه می‌داد و حیات داشت سر پا می‌شد و گل و لای قهر اقیانوسها شرایط حیات جانوری را به کمک آفتاب مهیا می‌کرد تا سرانجام تک سلولی‌ها دست به دست شادی‌کنان آغازیان را همراه خود کردند و

لحظه به لحظه شرایط حیات مهیاتر می‌شد تا سرانجام پر سلولی‌ها حیات جانوران آبزیست را مهیا کردند در حیات آبزیست موجوداتی دو حالت به نام حیات دوزیست به وجود آمد که می‌توانستند هم در آب و هم در خشکی به حیات خود ادامه دهند که بعد از آن حیات تک زیست پا به عرضه حیات گذاشت و سرانجام زندگی من و تو هم فراهم شد و به نام حیات تک زیست جایگاهی برای خود فراهم کرد.

❖ آغازی نو

هر چه تا اینجا خواندیم شاید بتواند گفت مقداری از آن لازمهٔ مطالب بعد و بقیهٔ آن جزء اطلاعات عمومی چیز دیگری به همراه نداشت.

حال می‌خواهم استارت فرضیه حیات و اعداد را بزنیم و شما را با مطالبی جدید آشنا کنیم فرضیه ما فقط دربارهٔ حیات تک زیست در نهایت قلم فرسائی می‌کند و از حیاتیات دیگر هم بلاجبار سخن به میان خواهد آمد که شنیدن آنها هم خالی از لطف نیست ولی ما در این فرضیه از ریزه‌کاریهای حیات گیاهی و دیگر حیاتیات که کم و بیش فقط از نامشان سخن به میان آمده باشد صحبت خواهیم کرد.

❖ اثبات حیات به کمک اعداد و ارقام

همان طوری که تمام ما می‌دانیم تمام کارهای پروردگار که همان خدای بی‌همتا است روی حساب و کتاب خواهد بود. لازم دانسیتم از طریق ریاضیات وارد این معقوله پیچیده شویم تا شاید بتوانیم از این را به رازهای پیچیده و گنگ که در پس پرده رازهای الهی پنهان است پی ببریم.

ابتدا اولین چیزی که نظر ما را به خود جلب کرد آغاز اعداد ریاضی بود که در واقع کلید باز شدن این پرده پر راز الهی در ابتدای ریاضیات یعنی همان اعداد تک رقمی یا بزبان دیگر اعداد مادر بود و بل‌الحق وقتی وارد این دنیای گسترده شدیم تازه فهمیدیم در کجای کار قرار گرفته‌ایم ابتدا عدد مادر و پس جدول تفکیک اعداد به طریق - اصل - فرع را رسم می‌کنیم و بلافاصله تا متوجه شدیم کلیدی را که برداشته‌ایم کلید واقعی است که باز کننده تمام رازهای الهی خواهد بود دیگر فرصت را غنیمت شمردیم و از هر زمانی که پیش می‌آمد استفاده بهینه می‌کردیم تا فرضیه‌مان هر لحظه به نقطه جدیدی می‌رسید که باز کردن آن هزاران راز پیچیده را به همراه داشت که ما ابتدا غافل از آن بودیم....

خلاصه مطلب را کوتاه می‌کنیم و به شکل کلی گوئی ابتدای راه را با هم باز و همراه شدیم. سرانجام فرضیه را با اعداد ما در صلاح دانستیم آغاز

کنیم و همین طور که پیش می‌رفتیم ابتدا لازم دانستیم قبل از هر چیز مطلب تفکیک اعداد را به میان بکشیم قبل از آن ابتدا صلاح دانسته می‌شود اعداد مادر تک رقمی را که کم و بیش ریشه بیشتر رازهای الهی در آن نهفته است به ترتیب یادآور شویم.

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

خلاصه بعد از یادآوری اعداد مادر برای آنکه عمیق‌تر به رازهای الهی پی ببریم یادآور شدن تفکیک اعداد مادر الزامی دانسته شد گام به گام که به جلو می‌رویم در ذهنمان چنین خطور می‌رود که کاربرد این اعداد تک رقمی و این دو جدول معروف به تفکیک اعداد که این قدر درباره آنها سخن به میان می‌آوریم بد نیست خلاصه‌ای در باره کاربرد آنها حتی اگر شده در یک خط توضیح دهیم تا در موقع خود که رسیدیم آن را کامل کنیم در مورد اعداد مادر به طور کامل از صفحه بعد کاملاً از زیر و بم آنها به طور کامل خواهیم گفت و کاربرد این دو جدول که معروف به جدول تفکیک اعداد است کاربرد این دو جدول در تمام مسائلی که درباره حیات است مورد استفاده قرار می‌گیرد به طور مثال در صفحه‌های بعد که حیات عددی را رسم کرده‌ایم اعداد ابتدا آغازیان را با $۵+۱=۶$ و حیات آبزی‌تس

عدد ۷۹، ۱۶→۷+۹ سپس ۷-۱+۶ معروف به حیات آبریزست بلافاصله ۸۰،
 ۸+۳۲→۸۰+۸، ۳۲ توان یا حیات دوزیزست و سرانجام به حیات تک زیست
 من و تو و فرمول آن ۸۱، (حیات تک زیست) تکامل ۹→۸+۱.
 تفکیک اعداد تفکیک اعداد جدول‌های آن از عدد ۱ تا حدود
 اعداد ۷ و ۸ می‌تواند ادامه داشته باشد ولی از آنجائی که یکی از آن‌ها
 جوابگوی تمام آن‌ها می‌شود لازم دانسته شد که فقط به یک جدول اکتفا
 کنیم.

تفکیک اعداد مادر با عدد یک (۱)

9	18	26	36	45	54	63	72	81
8	17	25	35	44	53	62	71	80
7	16	24	34	43	52	61	70	79
6	15	23	33	42	51	60	69	78
5	14	22	32	41	50	59	68	77
4	13	21	31	40	49	58	67	76
3	12	20	30	39	48	57	66	75
2	11	19	29	38	47	56	65	74
1	10	18	28	37	46	55	64	73
0	0	0	27	36	45	54	63	72

تفکیک اعداد مادر با عدد دو (۲)

۹	۲۷	۳۶	۴۵	۵۴	۶۳	۷۲	۸۱	۹۰
8	26	35	44	53	62	71	80	۸۹
7	25	34	43	52	61	70	79	۸۸
6	24	33	42	51	60	69	78	۸۷
5	23	32	41	50	59	68	77	۸۶
4	22	31	40	49	58	67	76	۸۵
3	21	30	39	48	57	66	75	۸۴
2	20	29	38	47	56	65	74	۸۳
1	19	28	37	46	55	64	73	۸۲
0	18	27	36	45	54	63	72	۸۱

به مسائل دیگر هم پی خواهیم برد و اعداد مادر را مشخص می‌کنیم.

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

اعداد مادر =

حال اعداد اصل و فرع را از هم جدا و برای هر زمان مشخص می‌کنیم.

ابتدا اعداد اصل:

۰ ۱ ۲ ۴ ۶ ۸

بعد از مشخص شدن اعداد اصل لازم دانسته می‌شود که اعداد فرع را

هم باید مشخص کنیم که عبارتند از:

۰ ۳ ۵ ۶ ۷ ۹

خوب با این دو دسته اعداد فرع و اصل پی بردیم.

در اینجا پس از مشخص کردن اعداد اصل و فرع لازم دانسته می‌شود

که جدولی از این دو دسته اعداد رسم کنیم و نام این جدول را جدول

جایگزین می‌گذاریم.

اصل	0	1	2	4	6	8
فرع	0	3	5	7	6	9

خوب به این جدول که معروف شد به جدول جایگزینی دقت کنید متوجه خواهید شد که یک رقم 0 (صفر) و یک عدد یعنی عدد ۶ در هر دو دسته یعنی اصل و فرع وجود دارند.

بدین منظور واضح‌تر بگویم رقم صفر و عدد ۶ هم می‌توانند اصل باشند و هم می‌توانند فرع باشند که این جدول در کاربرد فرضیه ما چنان چه به عملیات ریاضی برخورد لازمه یک تغییر و تحول است پس این جدول یکی از آن کلیدهای راه‌گشایی است.

فرض کنید عدد ۲۳۱۵ را می‌خواهیم با عدد ۴۵۷۹ جمع یا تفریق کنیم

مثال

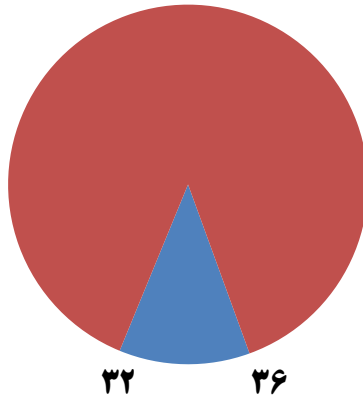
$\begin{array}{r} 2315 \\ + 4579 \\ \hline \end{array}$	$\begin{array}{r} 5335 \\ - 7548 \\ \hline \end{array}$	به فرع شد
$\begin{array}{r} 2315 \\ - 4579 \\ \hline \end{array}$	$\begin{array}{r} 2112 \\ + 4248 \\ \hline \end{array}$	به اصل شد

برای جمع یا تفریق این دو عدد ابتدا نیاز به تغییراتی هم چون اصل و فرع داریم یا باید اعداد لازمه که می‌خواهند با هم جمع یا تفریق شوند از یک جنس باشد یعنی یا باید اصل باشند یا باید فرع باشند.

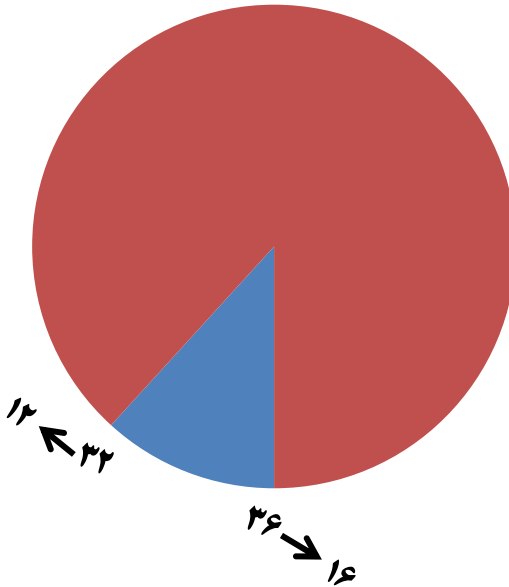
یکی را به عنوان نمونه برایتان تبدیل می‌کنیم:

$$\text{مثلاً} - \frac{5335}{7548} \text{ تبدیل به اصل شد } \frac{2112}{4248}$$

حال با همین روش می‌توانیم به عدد پی $3/14$ برسیم فرضیه ما بر این عقیده است چنان چه دایره‌ای را با پرگار رسم کنند چه به اندازه ناخن من باشد چه به اندازه پهنای آسمان باشد محیط پرگاری هر دو دایره 360 درجه ایست و بلطب شعاع هر دو دایره هم 36 می‌باشد مثلاً شعاع دایره آسمان و 36 سال نوری است و شعاع دایره ناخن من هم 36 است ولی واحد اندازه‌گیری آن فرق دارد گفتیم شعاع دایره آسمان 36 سال نوری. حالا باید بگویم شعاع دایره‌ای که به اندازه ناخن من هم است 36 می‌باشد ولی واحد اندازه‌گیریش فرق می‌کند مثلاً شعاع دایره ناخن من 36 میلیمتر یا هر واحد کوچکی که خود قبولش دارید است حال می‌خواهیم عدد پی یکی از این دو دایره را رسم کنیم.



به دایره رسم شده به دقت نگاه کنید در فرضیه گفته شده است دایره‌ای که با پرگار رسم می‌شود محیطش 360° و مکان آن ۳۶ و توان آن ۳۲ است حال می‌خواهیم عدد پی این دایره را با توضیح‌های داده شده را بدست آوریم.



ابتدا مکان دایره که ۳۶ است طبق جدول جایگزین می شود ۱۶ و توان آن که ۳۲ است طبق همان جدول جایگزین می شود ۱۲ حال وارد عملیات ریاضی می شویم.

$$۱۶ + ۱۲ \rightarrow ۲۸$$

$$۲۸ \div ۲ \rightarrow ۱۴ \text{ معدل } ۱۴ \rightarrow ۳۴$$

طبق جدول ۱۴ می شود ۳۴.

فرع ۴ می شود ۷

$$34 = 3/4 = 3/7$$

ما جدول دیگری بنام تفکیک اعداد داریم که هنوز به آن نرسیده‌ایم که طبق آن جدول ۷ می‌شود ۳۴ و طبق جدول جایگزین خودمان می‌شود ۱۴

از جدول تفکیک $3/7=3/34 \rightarrow$

طبق جدول جایگزین $3/34=3/14$

❖ جدول تفکیک اعداد

جدول تفکیک اعداد همان جدولی که نانوشته از آن استفاده کردیم و چون یک صفحه از آن گذشته‌ایم فوراً آن را رسم می‌کنیم تا شما را دچار سر در گمی نکنیم راه دوری نیست شماره این صفحه ۳۶ است ما در صفحه ۳۵ از کاربردش استفاده کردیم یعنی قصاص قبل از جنایت فوراً آن جدول که معروف به جدول تفکیک اعداد است رسم می‌کنیم تا دچار اشتباه نشوید.

جدول تفکیک اعداد به طریق عدد اصل (۲)

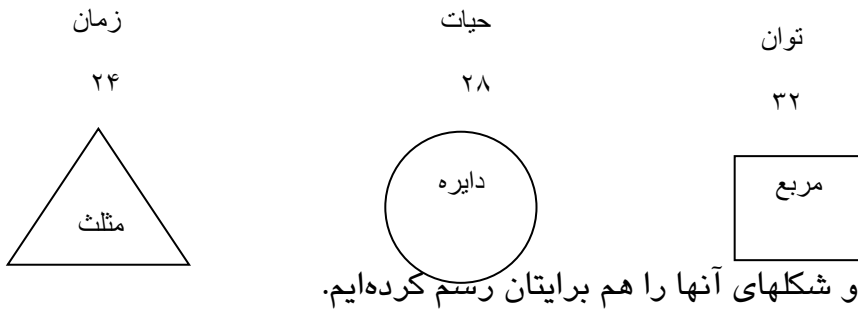
9	18	27	36	45	54	63	72	81
8	17	26	35	44	53	62	71	80
7	16	25	34	43	52	61	70	79
6	15	24	33	42	51	60	69	78
5	14	23	32	41	50	59	68	77
4	13	22	31	40	49	58	67	76
3	12	21	30	39	48	57	66	75
2	11	20	29	38	47	56	65	74
1	10	19	28	37	46	55	64	73
0	0	18	27	36	45	54	63	72

❖ تکامل و عدد آن (۷۲) $۷+۲ \rightarrow ۹$

فرضیه ما بر این عقیده است که همه چیز در مرحله ۹ به تکامل می‌رسد

و جزء رازهای پیچیده و پنهانی الهی می‌شود.

و دارای چهار بعد اصل می‌باشد که عبارتند از:



تا بهتر در ذهن شما حک شود و از طرفی با بازگو کردن آنها برای دیگران به طور کرات در شما نهادینه خواهد شد.

❖ چرا عدد ۹ عدد تکامل است.

همانطور که گفته شد در بین اعداد فرع یعنی عدد ۹ عدد تکامل است ما می‌خواهیم بدانیم که این عدد چه ویژگی‌هایی دارد یا از چه توان برتری برخوردار است که به آن عدد تکامل گفته می‌شود.

این عدد یعنی عدد ۹ آخرین عدد تک رقمی است و بعد از آن شما عدد تک رقمی دیگر پیدا نخواهید کرد و از آن گذشته از ویژگی خاصی برخوردار است که هیچ کدام از اعداد از این ویژگی برخوردار نیست.

ویژگی قابل ذکر آن در این است که هر عددی را با داشتن رقمهای مختلف حتی تا ∞ در آن ضرب شود حاصل ضرب این عدد را با هم جمع کنید می‌شود ۹.

مثال

$$\frac{12 \times 9}{108} \quad 1+0+8 \rightarrow 90 \quad 1+1+8+8 \rightarrow 18 \rightarrow 1+8 \rightarrow 9$$

و چنانچه در نهایت به عدد ۹ نرسیدین از جدول جایگزینی و تفکیک اعداد کمک بگیرید

$$\begin{array}{r} 132 \times \\ 9 \\ \hline 1188 \end{array} \quad 1+1+8+8 \rightarrow 18 \rightarrow 1+8 \rightarrow 9$$

$$\begin{array}{r} 2310 \times \\ 9 \\ \hline 20790 \end{array} \quad 2+0+7+9+0 \rightarrow 18 \rightarrow 1+8 \rightarrow 9$$

$$\begin{array}{r} 312101 \times \\ 9 \\ \hline 28080909 \end{array} \quad 2+8+0+8+0+9+0+9 \rightarrow 36=3+9 \rightarrow 9$$

$$\begin{array}{r} \infty \times \\ 9 \\ \hline \infty = \infty \rightarrow 9 \end{array}$$

خودتان چند مثال اختیاری بزنید.

و بعد از آنکه به نتیجه رسیده مثالهای تعقر داد و به همین روال جلو بروید.

❖ **طریقه به دست آمدن عدد پی ۳/۱۴ از راه دیگر (روش)**

محیط پرگاری تمام دایره‌ها به هر اندازه باشد 360° است و شعاع آن هم ۳۶ می‌باشد و توان آن هم ۳۲ و ضریب هوشی عدد ۴. چنان چه توان فکری ۳۶ و توان فیزیکی ۳۲ و ضریب هوشی ۴ باشد عدد تکامل به دست می‌آید. عدد ۴ می‌تواند زاویه زمان هم باشد که شاخک‌های آن 130° درجه را نشان می‌دهد.

$$36+32+4 \rightarrow 72$$

عدد ۷۲ عدد تکامل است زیرا اگر به شکل زیر عمل کنیم:

همان طور که گفته شد عدد ۹ تکامل است :

$$72 \rightarrow 7+2 \rightarrow 9$$

حال عدد پی را از روش دوم به دست می آوریم:

$$36+32 \rightarrow 68$$

$$\text{معدل } 68 \div 2 \rightarrow 34$$

به جدول تفکیک اعداد مراجعه کنید $3/4$ عدد ۴ را می توان عدد ۷ دانست

و عدد ۷ را می توان ۳۴ دانست حالا عدد ۳۴ را به عدد اصل تبدیل می کنیم

می شود $14 \leftarrow 3/14$

$$3/4$$

$$2/7$$

$$3/34 \rightarrow 3/14$$

بنام خداوند یزدان که جان آفرید

ز چرخ و فلک روز و شب را آفرید

به آدم توان داد توانا آفرید

زمین و زمان را چنین و چنان آفرید

❖ فصل جدید و مطالب شنیدنی نو

از کجا آمده‌ایم

به کجا خواهیم رفت

پس چرا آمده‌ایم

پس چرا خواهیم رفت

این سؤالی است که همه ما بدون استثنا از خود می‌پرسیم ولی جواب

درست و قانع‌کننده‌ای نصیبمان نمی‌شود.

راستی چرا و کسی هم نیست به این

مسئله حساسیت نشان نمی‌دهد.

سؤال به این گوندگی جواب والا چه عرض کنم؟

❖ آگاهی

آگاهی کلمه جدیدی نیست که ما تازه به آن رسیده باشیم و متأسفانه تعریف درستی ظاهراً از آن نداریم و همین مسئله ما را وادار به درجا زدن و عقب ماندن از آگاههای روز می‌کند هر کسی برای خود از این کلمه تعریفی از برای خود دارد و هر چه درست‌تر و کامل‌تر بتوانیم آن را تعریف کنیم و از انجام دادن همان تعریفی که خودمام داریم عمل کنیم شاید بتوان گفت پنجاه درصد آن حل شده است آگاهی چون یک مطلب عمومی و عامل پیشرفت بشر می‌شود چه بهتر است برای تعریف آن از کسانی که صاحب نظرند بهرمند شویم زیرا آگاه بودن از نقصها و حسنهای خود و مسائلی که در اطرافمان می‌گذرد نقش بسزائی در زندگی ما و دیگران می‌شود.

چون آگاه بودن دیگر ما را صاحب یک اجتماع آگاه می‌کند که در پیشبرد کل هدفهای زندگیمان به ما کمک می‌کند ولی این طرز فکر نیاز به فرهنگ برنزی دارد.

ما برای اینکه همین چند خط را انجام دهیم نیاز به یکسری آگاهی فردی دارد زیرا ما موظف هستیم خود را در وحله اول مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم و نقصها را روز به روز در حد توانمان از خود دور کنیم و هر

جا بانک انسان سازی بلند است ما هم با آنها هم صدا شویم تا بانکمان تبدیل به یک استحکام قوی می‌شود که هیچی نمی‌تواند آن را عقب براند بلکه بر عکس ناآگاهی یعنی تاریکی محض که حرکت کردن در این تونل تاریک کاری بسی احمقانه و حماقت کردن است مشورت کردن، انتقاد پذیر بودن.

منطقی بودن، نجنبیدن برای اثبات حرف خود دوری کردن از بحثهای جنجالی. گوش گرفتن گل چین کردن از تجارت خود و دیگران، دوری کردن از حمل تجارب تلخ، جدا کردن صداقت از حماقتها، رازدار بودن، امین بودن، دروغ را از صفت‌های بد دانستن، دور زدن مشکلات، چیزی نمانده است که مطلب آگاهی ما را از طریق حاشیه به قول دوستان مشتی به درون باقالی‌ها نبرد استب و پایان هر چه گفتیم.

اعداد و ارقام

عدد یا رقمی که خواندن آنها بستگی به جایگاه آنها دارد ظاهراً رقم خوانده می‌شود مثل رقم صفر مثال چنان چه این جور نوشته می‌شود ۱۰ نام عددی آن یا چنانچه این جور نوشته شود ۰۱ فرق دارد مثلاً چنان چه اینجور نوشته شود ۱۰ آنرا عدد ۱۰ می‌خوانند و چنانچه ۰۱ نوشته شود

یک خوانده می‌شود با توجه به اینکه هر دو دو رقمی هستند چنان چه شاعر چنین می‌گوید:

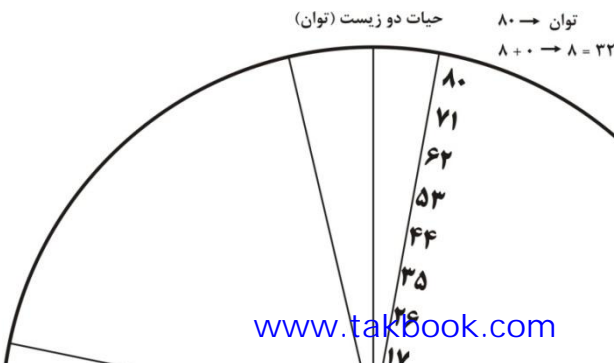
رقم صفر گر چه عدد است
چون به اول بیافتد رقم است.

❖ اعداد و حیات

فرضیه ما بر این عقیده است که برای اثبات و رسیدن به هر موضوع الهی تا اینجا که خواندیم از اعداد و ارقام استفاده می‌کند و هیچ چیزی را بدون حساب و کتاب نمی‌پذیرد و هر کاری از او را در نظر بگیریم به این مسئله پی خواهیم برد غرض از گفتن این مطلب در آن است که هر چه گفتیم برای اثبات آن از اعداد و ارقام استفاده کرده‌ایم حال تیر می‌خوایم بدانیم اعداد و ارقام در اثبات حیات چقدر نقش دارد.

می‌خواهیم بدانیم جدول جایگزین و جدول تفکیک اعداد چقدر نقش در اثبات حیات دارند

❖ نقش اعداد و ارقام در حیات



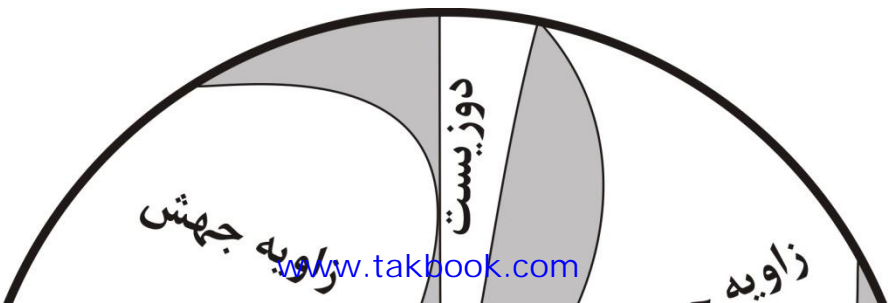
❖ رسیدن به حیات از طریق اعداد و ارقام

در دایرهٔ صفحه روبرو یا قبل از اعداد نشان دادیم چطور می‌تواند به حیات پی برد و از طرفی استفاده کردن از جدول تفکیک اعداد و جدول جایگزینی به تک تک حیات پی خواهیم برد ابتدا باید گفت که در کانون دایره که صفر (۰) است در تمام حیات مشترک است. ابتدا از زمان که همان آغازیان است آغاز می‌کنیم به دایره صفحه قبل مراجعه کنید و خودتان بهتر از هر کسی می‌دانید فقط شروع و پایان دایره در یک نقطه است بدین شکل $\frac{0}{1}$ که از نظر عددی و هندسی این نقطه را فعال شدن حیات که همان آغازیان (زمان) است می‌نامند در زاویه بعدی که خود را آبرزیست می‌داند $7 \rightarrow 1+6$ (حیات آبرزیست) زاویه بعدی که ۸ و زاویه بعد از آن که ۹ است به ترتیب خود را دوزیست و زاویه ۹ هم تک زیست و آخرین آن باقی است.

❖ حیات

گذشته از حیات گیاهی ما دارای ۴ حیات دیگر چون حیات زمان، حیات حیات، حیات توان، حیات مکان هستیم که از طریق اعداد و ارقام آنها را مشخص کردیم.

حال از ۴ حیات که از طریق عددی مشخص کردیم فقط می‌خواهیم یک حیات را مشخص کنیم آن هم حیات تک زیست است اگر به دقت به روی دایره که حیات عددی را بر روی آن رسم و مشخص کردیم که ما دارای چهار حیات مستقل و مجزا از هم داریم و گذشته از مشخص کردن حیاتها با اعداد آنها را هم نام‌گذاری نمودیم از این چهار حیات ما فقط می‌خواهیم یک حیات را مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم و بقیه حیاتها که بنامهای آغازیان، حیات آبزیست، حیات دوزیست و تک زیست که مورد نظر ما است و در ضمن حیاتی است که من و تو در آن زندگی می‌کنیم و آخرین حیات، حیات باغی است که روی شکل صفحه بعد نشان می‌دهیم.



❖ حیات تک‌زیست

حیات تک‌زیست که من و تو در آن زندگی می‌کنیم صبح زود قبل از طلوع آفتاب حتی قبل از سحر خروس‌خوان بیدار می‌شویم تا خود را برای رفتن به سرکار آماده کنیم.

خلاصه بعد از گذشتن از چند کوچه یکی، یکی همکاران پیدایشان می‌شود.

بعد از یک صبح بخیز و احوالپرسی همکارانه یواش یواش خودمان را پیدا می‌کنیم و سرانجام خود را در مسیر اتوبوسی که باید ما را به کارخانه می‌برد و می‌رساندیم و سرانجام این اتفاق می‌افتاد و ما هم به سر کارمان می‌رسیدیم در حیات تک زیست که از صبح تا شب تلاش و کوشش چیز دیگری عایدمان نمی‌شد تا سه ماه که چشمان به حقوق می‌افتاد و مانند هر کارکن دیگری حقوق دریافتی را در اختیار خانواده قرار می‌دادیم.

تا هر چه که لازم دارند در حد و حدود حقوقمان استفاده کنند تمام این صغرا و کبراها برای این است که یک زمینه‌ای ظاهراً قبل از جانداران گیاهان و مسائل حاشیه‌ای گیاهی به حیات خود شروع به ادامه دادن و آماده کردن محیط جهت سازگار شدن برای حیات جانوری زمینه سازی می‌شد خلاصه بعد از این گیر و دارهای طبیعی که در راز الهی پنهان بود، سر از پنهانی بیرون آورده و محیط را برای جانداران آماده می‌ساخت تازه رسیده‌ایم.

به اول راه که آن هم شرایط محیط زیست جانوری بود از اینجا به بعد می‌رسیم به شرایط محیط زیست.

❖ شرایط

شرایطی به محیطی گفته می‌شود که مساعد اتفاقی است حالا این اتفاق چه اتفاقی است بماند فقط شرح نباشد هر چه باشد بسم الله هیچ برایتان اتفاق نیافتاده است که زیر یک کیسه یا مشعما که پر اشغال کاملاً خیس باشد و بدون دلیل یا کار خاصی آن کیسه مالامال از آب و اشغال را برداری برای من پیش آمده یکی دوباره زیر کیسه‌ای را که بلند کردم زیر آن تعداد موجود زنده مثلاً کرم یا هر موجودی دیگری شبیه به این با نام دیگر به این کیسه اشغال مالامال خیس می‌گویند این موجودات زنده گرم یا هر چیز دیگر که نامش می‌گذارید در همین شرایط خیس اشغالی به وجود می‌آید و حرکت می‌کنند موجودی که بتواند دست و پا بزند و در هم بلولد می‌گویند این موجودات زنده‌اند و علت به وجود آمدن آنها هم شرایطی که کیسه اشغال مالامال خیس به وجود آورده باعث شده که این موجودات زنده به وجود بیایند مثلاً در هر شرایطی که مساعد حیات باشد موجودی به وجود می‌آید حتی ممکن شرایطی مساعد شود در جائی که هیچ کس رفت و شد نمی‌کنند در زمانی نسبتاً طولانی اگر اتفاقاً کسی از آنجا رد شود ممکن است با آن موجود برخورد کند. یا حیوانی درنده

شناخته نشده یا موجود دیگری پس برای به وجود آمدن هر چیزی شرایط خاصی را می‌طلبد قرض از گفتن این گونه مطالب در آن است که می‌خواهیم دربارهٔ حیات خودمان صحبت کنیم به وجود آمدن ما انسانها یا حیوانات به دو طریق است یا تخیلی یا منطقی.

روش تخیلی روشی است عامیانه که هر کس طبق تخیل خود می‌تواند بگوید در دوران بسیار قدیم‌تری آسمان هفتم به علت این که ابر زیادی توی آسمان بود به تدریج موجوداتی بنام انسان به زمین آمدند و از آنجا زندگی آغاز شد.

❖ شرایط زندگی در تکزیستان

تمام این فرضیه ما از اول تا به اینجا که هنوز ختم نشده در سر همین زندگی تکزیستان است یعنی:

زندگی من و شما بعد از گفتن مطالب آغازیان، آبیستان، دوزیستان، تکزیستان و در نهایت حیات باغی.

ولی کل فرضیه ما دور و بر حیات تکزیستان می‌چرخد تا شاید رازی از خلقت انسان به دست آورد. برای این کار لازم است:

دوباره یک جدول جانوری را رسم کنیم تا یکی یکی مسائل آن را بررسی و مورد تحقیق قرار دهیم.

به همین خاطر از تمام حیات‌ها هر چه گفته شد تا اینجا دیگر تمام شد تنها مطلب باقی مانده مطلب حیات تکزیستان است .

❖ جدول زیر جدول حیات جانوری است.

(از پایین به بالا مطالعه شود)

شماره	مرحله	مشخصات جانور	توان فکری	توان فیزیکی
۱	۹	فرشته‌گان	۳۶	۰
۲	۸	برنده‌گان	۳۲	۴
۳	۷	دونده‌گان	۲۸	۸
۴	۶	رونده‌گان	۲۴	۱۲
۵	۵	چرنده‌گان	۲۰	۱۶
۶	۴	درنده‌گان	۱۶	۲۰
۷	۳	جونده‌گان	۱۲	۲۴
۸	۲	پرنده‌گان	۸	۲۸
۹	۱	خزنده‌گان	۴	۳۲
۰	۰	خواب‌زدگان	۰	۰

به جدول کاملاً دقت کنید تلاش شده است ابتدا از جانوران پست تخم‌گذار آغاز کنیم که خود به خود خواب‌زدگان که شرایط مناسب رشد است و سپس تخمگذاران پست چون خزندگان و پرندگان سپس نوبت پستانداران پست چون جونده‌گان، درنده‌گان، چرنده‌گان و رونده‌گان و سرانجام دونده‌گان (که همان انسان است) اینجا است که می‌گویند حیات ۷

مرحله است و با انسان در قرن ۲۸ کامل می‌شود و جانوران بعد از انسان برندگان، فرشته‌گان که در مرحله ۹ قرار می‌گیرند. البته در مرحله ۸ برندگان قرار دارند و در مرحله ۹ فرشتگان.

❖ بعد نیست سری هم به خودمان بزنیم

چطوری و به چه شکل می‌شود سری به خودمان بزنیم ساده است ما امروز در قرن بیست و یکم هستیم که معروف است به قرن ارتباطات. و معنی و مفهوم آن در این است که اتفاقی که الان در همین ثانیه بیافتد در ثانیه بعدی حتی کمتر به آخرین نقطه جهان می‌توان مخابره شود وقتی صحبت از اینجور مسائل می‌آید که سرعت در آن دخیل است لبخند بر لب یکی یکی ما هویدا می‌شود و از اینکه کارها به این سرعت انجام می‌گیرد به هیجان می‌افتند و برق شوق در چشم تک تک ما برق می‌زند کشفیات به اشتباه اختراع خوانده می‌شود.

زیرا هیچ چیز در این دنیا تا به امروز اختراع نشده و نخواهد شد و آنچه را هم به اشتباه اختراع خوانده‌اند اشتباهی محض بوده و همه‌ی اختراع به چیزی گفته می‌شود که وجود خارجی در این عالم هستی نداشته باشد.

و شما با یک اجی مجی گفتن چیزی را که گفته بودیم وجود خارجی ندارد الاً وجود دارد که متأسفانه از روی نادانی هنوز هم اینجور اتفاقها می افتد که از روی نادانی و ناآگاهی است پس هر چه را امروز با ساز و گرنا اختراع می نامند.

اشتباهی محض بیش نیست ولی اگر چیزی جدید یا نو به وجود آوری می گویند اکتشافی صورت گرفته است و درست هم هست این سرعت در همه چیز امروزه مردم را خوشحال و برندهء عالمی نو و جدید شده است این خوشحالی فردای بدی را برایمان در نظر گرفته است و روزهای تار و تاریکی را برایمان در حال ورق زدن است.

علم اگر عالمانه کشف و پیشرفت کند جای شادی و خنده را کم دارد علمی که عالمانه نباشد کشفیاتش در نهایت به بن بس بلا تکلیفی ختم خواهد شد.

در کوچهء بن بس سرعت بی ترمز چه حادثه ای را در برمی گیرد متأسفانه امروزه به هر علمی گوشه چشمی نشان داده می شود.

بوئی از علم عالمانه نبرده است و علم بدون عالمانه سرعتی جنون آمیز دارد و چنین علمی با چنین سرعت جایش در قهر دریاها و اقیانوسها خواهد بود.

هر چیزی قاعده‌تاً که ساخته می‌شود سازنده‌ی خداپرس انتهای کار اول کار در نظر دارد نه در پایان.

که دیگر دیر شده و توی دهن‌ها افتاده است دیگر اگر هم بخواهیم برایش کاری انجام دهیم همین توی دهن‌ها افتادن‌ها شهرت ساز است و شهرت ستاره‌ی درخشان می‌سازد و به همین دلیل اگر هم بخواهد پای عقب بگذارد دیگر جرئت چنین کاری در زانوهای او نیست و چنان می‌لرزد که به جای عقب نشینی از لرزش زانو به اشتباه هیچ بعید نیست که پایش به جلوتر بلغزد. خوب حالا که متوجه شدیم همیشه علم عامل پیشرفت و ترقی نمی‌باشد به دلیل آنکه نیروی باز دارنده‌ای در روز اول ساخت برایش پیش‌بینی نشده است.

پس علم بد نیست بلکه بسیار عالی و پیشرونده هم هست. البته با داشتن ترمز روز اول که برایش پیش‌بینی شده است و همین مسائل باعث می‌شود که انسانها نسبت به علم بدبین شوند و از پیشرفت جلوگیری کنند.

ابتدا اول انسان نسبت به زندگی بدبین می‌شود. بدبین عاملی می‌شود که انسان نسبت به زندگی دلسرد شود بدبین انسان را از عمل کرد خود نسبت به تعهدات زندگی بدبین می‌کند فرار از مسئولیت زن از بارداری و مرد مشوق او در تعهدات بی بندباری در تربیت فرزندان، جابجائی فرزند با حیوانات و پر کردن وقت فراغت، خرید وسایل آسایش، رادیو، تلویزیون، یخچال، گاز و غیره که در آسایش در اوایل کار نقش مهمی دارند به فکر آنکه آسایش می‌تواند آرامش را بیاورد و برعکس در اوایل بد نیست بعد از مدتی یکی یکی خراب و مستعل می‌شوند که بیرون انداخت و برای تعمیر بردن آسایش موضعی را هم می‌گیرد قبل از آنکه آرامش را هم به ارمغان بیاورد.

آرامش می‌تواند آسایش را بیاورد ولی هیچ گاه آسایش آرامش را نخواهد آورد بلکه بر عکس.

این مسائل و مسائل شبیه اینها انسان را از زندگی دلسرد می‌کنند و همین قرن (۲۱) که قرن ارتباطات است همهٔ وسایلیش با اشعه کار می‌کند به طوری که روزانه همهٔ انسانها از کوچک تا بزرگ آنقدر اشعه‌های مختلف و خطرناک می‌خورند تا سرانجام به بیماریهای ناشناختهٔ اشعه مبتلا

می‌شوند هنوز درگیر ساختن دستگاه‌های اشعه‌ای هستند که صدای دو هول بیماری اشعه بانوای دلنوازی از دور دستها می‌رسد هنوز صدای آن خاموش نشده که از این طرف دنیا دو هول اشعه جواب بیماری آن بیماری را می‌دهد. این یک سرگرمی نیست این یک واقعیت تلخ بزرگ است که دیگر برای جلوگیری آن دیر شده است این را بدانید که راهی دیگر نماند تا بیماریهای عجیب و غریب شوند هنوز درگیر ساختن دستگاه‌های اشعه‌ای هستند که صدای دو هول بیماری اشعه بانوای دلنوازی از دور دستها می‌رسد هنوز صدای آن خاموش نشده که از این طرف دنیا دو هول اشعه جواب بیماری آن بیماری را می‌دهد. این یک سرگرمی نیست این یک واقعیت تلخ بزرگ است که دیگر برای جلوگیری آن دیر شده است این را بدانید که راهی دیگر نماند تا بیماریهای عجیب و غریب اشعه‌زا با نامهای استرس‌زا آنقدر فراوان می‌شود که دیگری بیماریهای قلبی بیماری حساب نمی‌شوند.

حالا بیا درستش کن بیمارهای قلبی سر جایش مانده بی صاحب از هر طرف دنیا صدای مظلومی از درد بی درمان اشعه خود ساخته بلند شده است به همین دلیل راه تسلط بیماریهای قلبی هم چنان باقی است و این

بیماریهای ناشناخته بی نام هم یکی پس از دیگری اضافه می شود تا جائی که می گویند حیات تا اواخر قرن ۲۴ نخواهد بود و راهی نمانده است که انسان قرن ۲۵ را نبیند همان طوری که مطالعه کردید در جدول حیات جانوری حیات ۷ مرحله و ۲۸ قرن باید طول بکشد و تکامل ۹ مرحله و ۳۶ قرن طول می کشد حال حیات ۷ مرحله ای که در جدول ۲۸ قرن می باشد چطور در اواخر قرن ۲۴ از هم پاشیده می شود.

❖ قرن ۲۵ را هیچ انسانی نخواهد دید

در مطالب قبل با دلیل و برهانهای که آوردیم مشخص شد درست است که حیات ۷ مرحله و ۲۸ قرن طول می کشد و با توضیحات داده شده مشخص شد بیماریهای اشعه را اجازه نمی دهد هیچ انسانی قرن ۲۵ را ببیند و در اواخر قرن ۲۴ همه انسانها نابود و قرن ۲۵ را هیچ انسانی به دلایلی که گفته شد قرن ۲۵ را نمی بیند و با توجه به اینکه جدول جانوری برای انسان ۷ مرحله و ۲۸ قرن در نظر گرفته که با آن مسائل به کرات گفته شده هیچ انسانی قرن ۲۵ را نمی بیند با توجه به اینکه برای حیات انسان ۲۸ قرن در نظر گرفته شده بود که متأسفانه نشد و برای تکامل جدول

جانوری ۳۶ قرن در نظر گرفته شده است و ظاهراً هم تا قرن ۳۶ جلو می‌رود و به تکامل می‌رسد. ولی به چه شکل .

گر نام دایره آید به میان

فاش گردد هر آنچه در عالم هستی شده پنهان

گر قاعده عالم هستی بر ۹ تا نبود

آن توان حضرت آدم توان دیگر نبود

❖ هوس سایه مغز است

هر چیزی شکلی دارد و هر شکلی سایه‌ای دارد و تنها چیزی را که نمی‌توان از خود جسم جدا کرد سایه آن است.

اول باید بدانیم هوس چیست و چگونه به وجود می‌آید چون هوس چیزی (سایه‌ای) جدا شدنی نیست انسان باید خیلی عاقل و دانا باشد. زیرا باید بیش از حد مواظب خود باشد که گرفتار چیزی نشود که دنباله‌اش هوس ساز باشد چون چیزی که وجودش را سایه می‌دانند بسیار خطرناک است و جداشدنی نخواهد بود و تا آخر عمر همه ما می‌دانیم تنها چیزی که با ما ماندنی و جدا شدنی نیست خیلی آدم کاری و دانائی باید باشد که لااقل همین طور که در کنارش است و به درستی می‌داند که جدا شدنی

نیست باید تا لب گور برای هر فنی از آن ضد فنی داشته باشد با این توضیح و تفسیر مرد کاردان و دانائی لازمه این سایه فرصت طلب می‌باشد.

هوس سایه مغز است در افرادی به وجود می‌آید که خیلی زود تن به لذت می‌دهد وای به روزی که انسان کاری را انجام دهد و در تکرار آن اشتیاق نشان دهد و ذهنش را در اختیار لذت بگذارد تکرار به کرات تخم عادت را آماده کاشتن می‌کند و کافی است تخم جوانه بزند دیگر دیر شده است و هیچ فکری برایش کار ساز نیست مانند سدی پر از آب که یک مرتبه شکسته شود هر چه در مسیر است دیگر نمی‌شناسد و با خود به قهر دره‌های بسیار ژرف می‌برد وقتی هوس سایه مغز شد زندگی را فرد برای یک لحظه لذت می‌فروشد و خود را فروخته و ناتوان می‌بیند برای بقیه عمر اگر باقی باشد باقی باشد.

(تکامل و اثر آن بر مغز)

در تمام جانورانی که بر این کره خاکی زندگی می‌کنند به جز انسان هیچ جاندار دیگر قدرت تکلم را ندارد همین قدرت تکلم باعث پیشرفت آن در تمام موجودات روی زمین گردیده است ولی اگر نادانسته از این قدرت

جادوئی استفاده نشود تکلم گذشته از اینکه باعث پیشرفت نمی‌شود بلکه احتمال عقب افتادگی را هم می‌توان پیش‌بینی کرد حرف و حدیثی که در جمعی زده می‌شود تو هم باید به اندازه همان معلومات خود در بحث شرکت کنی شرکت نکردن و حرف دل را نزدن باعث بیماری هم ممکن است بشود چون چیزی در ذهن انسان حک و باقی نمی‌ماند جزء حرف زدن است شما اگر در جایی حرف خوب و جلیبی شنیدید حتماً در جایی آن را بهر نحوی که خود می‌دانی از قدرت تکلمت استفاده و حرف دلت یا حرفی را که یاد گرفته‌ای بزنی اول کار کمی سخت به نظر می‌رسد.

ولی چنین نیست بیشتر ما یک دسته‌مان از روی خجالت صحبت نمی‌کند که خیلی بد است و همیشه حرفی برای گفتن ندارد و دسته دیگر از تَن صدای خود می‌ترسند اگر صحبت کنیم ممکن است تیق بزнім یا حرفمان قطع شود یا یادمان برود شما موظف هستید کاری را که خداوند بی همتا بر عهده شما گذاشته است از آن استفاده کنید حالا یادم می‌رود یا تیق می‌زنم کار شما نیست کاری کسی دیگر است که این قدرت را به تو داده است نترس و بزنی هیچ چیز نمی‌شود قول می‌دهم از همه بهتر و خوبتر صحبت کنید پایت را روی ترس بگذار هر جا که ترس عامل توقف شما شد

شما بر عکس پا بروی آن بگذارید و کارتتان را انجام دهید یا حرفتان را بزنید.

شما فرض کنید که از ترس جلو نروید و حرفتان را نزنید و کارتتان را انجام ندهید اگر از شما بپرسند شما زنده یا مرده‌اید کدام گزینه درست‌تر است.

آدم و حوا

آمده است که خداوند بی همتا آدم را آفرید و او را در بهشت برین جا داد و از او خواست از زندگی همانطور که لازم است و برایت پیش‌بینی شده است زندگی را بنام آنکه تو را آفرید آغاز کن بادی وزید و بوی خوش در این باغ بهشتی شروع به دویدن کرد روزگاری به همین منوال زنده بود و زندگی کرد ولی همیشه از روز ازل یک احساس پوچی و تهی بودن در خود احساس می‌کرد ولی نمی دانست چیست و چه باید بکند در این گیر و دار زندگی بود که شیطان فرصت را غنیمت بشمرد و به او گفت ای آدم علت این سر در گمی و حیرانی تو کلیدش در دستهای من است و سرانجام آنقدر حضرت آدم را وسوسه باران کردن و سرانجام به او گفت از خدا بی همتا بخوا تا جفتی برای تو بیافریند و تو از این سر در گمی

خلاص شوی و زندگی برایت در این بهشت نور باران شود خلاصه روزی حضرت آدم آشفته و حیران نزد خداوند بی همتا رفت و از او خواست همدمی برای او بیافریند تا از این سر در گمی بیرون بیاید.

که خداوند زیر بار این مسئله نرفت و از او خواست ای آدم آن چیزی که از من می‌خواهی آخرش را من دیده‌ام و زندگی تو و جهان در یک سر در گمی عجیبی فرو خواهد رفت تو فقط خودت و تنهائی‌ات را می‌خواهی پر کنی ولی آینده این عالم هستی که تا چشم کار می‌کند آب است و خشکی و تمام این ملک الهی هم از آن توست ولی سر سختی آدم روز به روز بیشتر می‌شود تا جائی که خیلی ضعیف و بیمار شد که بناچار خدای بی‌همتا به بالین او رفت و دست شفاعت بر پیشانیش کشید و به او گفت مثل اینکه تصمیم نهائی خود را گرفته‌ای و از سرت هم بیرون نمی‌رود چاره نیست من از آفریدن او عاجزم ولی حالا که اینقدر اسرار داری بیا من به تو توانی می‌دهم که خود او را بیافرینی و دیگر از من خواسته دیگری نداشته باشد و از دیدن من هم چشم پوشی کن حضرت آدم از شوق در بستر بیماری نیم خیز شد و احساس کرد جان دیگری در بدن او در حال جریان است.

خداوند بی همتا فقط به آدم بگفت این شعر را بخواه همه چی حل است.

بنام خداوند یزدان که جان آفرید

زمین و زمان را چنین و چنان آفرید

به آدم توان داد توانا آفرید

فردای آن روز حضرت آدم احساس دیگری داشت گوئی چیزی در رگ و پی او در حال حرکت است چند روزی نگذشت که احساس کرد بدجوری شکمش جلو آمده است خلاصه چیزی نگذشت که دوران بارداری آدم تمام شد و این بارداری به این شکل بود که حوا در رحمی چون قلب جا گرفته شده بود جائی که مالا مال از احساس و شعف است سرانجام روز و ساعت موعود فرا رسید و سرانجام حوا از بین دنده ۳۱ و ۳۲ که روزانه‌ای شکفته شده بود پا به عرصه هستی گذاشت.

حضرت آدم بعد از تمیز کردن حوا رو به خدا نشست و دستها را به علامت نیایش و سپاس بالا برد.

سه مرتبه پشت سر هم از خدا تشکر کرد و بلند شد و زندگی روزانه خود را با حوا آغاز کرد چیزی نگذشت که حوا به یک دختر چهارده ساله تبدیل شد و از آن شب مهتابی رویائی در زیر نور ماه زندگی زناشویی را

برای اولین بار آغاز کرد و روزها به همین منوال می‌گذشت تا سرانجام حوا باردار شد و اولین فرزند را آفرید و به همین منوال همیشه بعد از مدتی که خداوند صلاح می‌دانست او را باردار و صاحب نوزادی جدید می‌کرد خلاصه به تدریج تعداد فرزندان حضرت آدم زیاد شد و خدا هم به آنها برکت داد و به حضرت آدم دستور داد تا ۷ نسل می‌توانند فرزندان پسر با دختر ازدواج کنند و بعد از این موعود مبارک ازدواج برادر و خواهری زنا خوانده می‌شود و حضرت آدم همان کرد که خداوند بی‌همتا دستور داده بود و زندگی به همین منوال ادامه دار شد ولی دیگر خبری از بهشت نبود ادامه آن را به درستی خود می‌دانید سخن کوتاه شود که راه درازی در پیش است.

یادآوری

فرضیه ما همیشه در پایان مطالبش قسمتی از آخر کتاب را بنام یادآوری در نظر می‌گیرد تا چنان چه مطلب جا افتاده شده یا مطلبی نو و جدیدی به نظر آید... در این قسمت از آن مطالب استفاده می‌شود در جدول جانوری که جانوران تا ۷ مرحله حیات نامیده می‌شود و انسان در رأس آن قرار دارد و دو مرحله بعدی که به سمت تکامل در حرکت است و

فرشته‌گان در مرحلهٔ ۹ به تکامل می‌رسد و توان فیزیکی آن که جسم ظاهری است از بین می‌رود و آن چه باقی می‌ماند که غیر قابل دید هم است. فکر است.

فکر بر خواسته از مغزش است که پُر، پُر این توان فکری ۳۶ است که همین فکر برخواسته از توان فکری آن است که برای همهٔ ما قابل دید نیست و این قاعده را هم از فرمولهای ریاضی فیزیک به دست آمده قابل قبول واقع افتاده است تکامل چون زنجیره‌ای دایره‌ای شکل قاعده‌تاً به هم ربط دارند و ظاهراً این زنجیره به زنجیره تکامل دیگر وصل است و فرضیه ما بر این عقیده است این جدول جانوری در قید حیات از روزنه واژن پا به عرصه هستی گذاشته است و چنان چه در جدول جانوری دیده می‌شود حلقه به حلقه حیات تلاش‌گر خود را تا پایان یعنی روزی که دم و باز دم از یادش می‌رود که کدام یک اول و کدام یک آخر باید عمل کند و همین جابجائی ناقص نفس از یادش رفته و در آخرین روزنه که قبر نام دارد به دیار حیات باغی به حرکت در می‌آید به جز آنکه تکامل با مرگ پایان نمی‌پذیرد وارد دنیای عجیبی که هیچ شباهتی با این دنیا ندارد وارد می‌شود- ادامه دارد و به تکامل خود مثل گذشته ادامه می‌دهد و هیچ کس

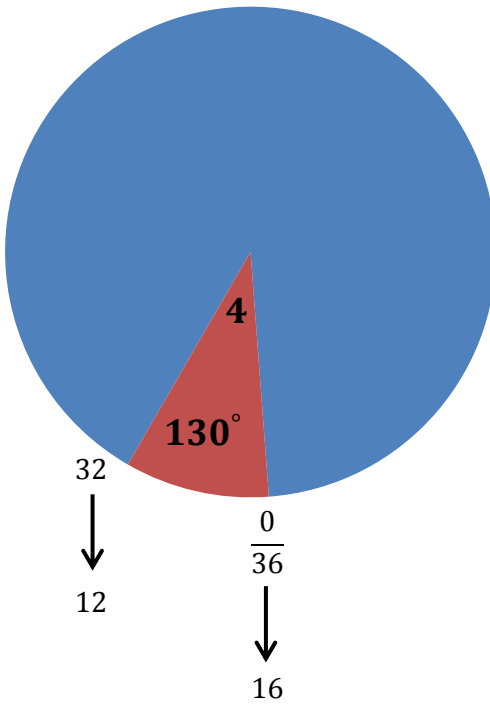
به نحوی حرکت تکامل با اطلاع نیست ولی هر جوری که باشد قاعده‌تاً دایره‌ای شکل به هم متصل هستند کل جانوران که سر لوحه آن انسان است بعد از مرگ همه چیز تمام شده نیست فقط زندگی فیزیکی پایان می‌پذیرد و توان فکری (زندگی فکری) ادامه دارد در آن جهان تکامل قرض از نوشتن این فرضیه در آن است که بدانیم کیستم و در کجا جهان ایستاده‌ایم و از اطلاعات اطرافمان در حد توان فرمان برداشتن کنیم و همین طور که این آسیاب تکامل در حل گردش است هر گردشی که می‌کند بار آگاهیهای آن سنگین‌تر می‌شود و ضریب انسانی در انسان و ضریب بقیه جانداران هم به همین شکل زیادتر می‌شود.

سنگینی به حدی که گردشش راحت است می‌چرخد و بعد از آنکه سنگینی دایره اول زیاد و غیر قابل گردش می‌شود دایره دیگری وارد چرخه تکامل می‌شود و همین طور گردش تکامل در حال گردش است و از خواندن این فرضیه اطلاعات عمومی و ترتیب قرار گرفتن جانوران از پستی به برتری با اطلاع می‌شویم خلاصه با خواندن این فرضیه و مطالب دیگر روز به روز اطلاعاتمان زیادتر و زیادتر می‌شود آن چه درباره آن جهان تکامل نوشتیم و پرداختیم پرداخته ذهن خودمان بوده است چون تا

کنون هنوز کسی به آن جهان ابدی نرفته است که اینجوری قلم سرائی کند ولی از اینکه تکامل تا ازل ادامه دارد شکی نیست.

طرز بدست آورد عد پی ۳/۱۴

برای بدست آوردن عدد پی که ظاهراً توسط چند دانشمند یونانی با فرمول‌های پیچیده بدست آمده است تا جائی که با رمز و مسائل نظیر آن نوشته شده بود که طرز پی بردن به آن هم داستانی جداگانه برای خود دارد. سرانجام به رمز مذبور پی برده و عددی به مشخصات ۳/۱۴ را عدد پی شناخته و مورد استفاده‌های دقیق گشته است. حال ما هم با فرضیه خود تلاش می‌کنیم که این عدد حیاتی در شکل دایره را بدست آوریم که پی بردن به زاویه زمان آنرا از روی تفکیک و جدول جای گزینی نام گذاری کرده‌ایم شماره زاویه عدد ۴ است دهانه شاخک‌ها ۱۳۰ درجه است. حال می‌خواهیم عدد پی این دایره با مشخصات گفته شده را بدست آوریم توان ۳۲ که می‌تواند ۱۲ هم باشد مکان دایره که ۳۶ می‌باشد می‌تواند ۱۶ باشد حال با این مشخصات و اعداد داده شده عدد پی را بدست می‌آوریم. که در صفحات قبل در حد توان فکریمان عدد ۳/۱۴ را هم بدست آوردیم.



$$32 + 36 \rightarrow 68$$

$$68 \div 2 \rightarrow 34 \text{ معادل}$$

$$\frac{3}{4} \rightarrow \text{می توان } 3/14$$

$$3/7 \rightarrow 3/34 \rightarrow 3/14$$

$$16 + 12 \rightarrow 28$$

$$28 \div 2 \rightarrow 14$$

$$34 \rightarrow 3/4$$

$$3/7 \rightarrow 3/34 \rightarrow 3/14$$